

فصل چهارم

نتیجه‌گیری و نظرات اصلاحی

۱- خاک

خاک شیرین و حتی کم نمک جز در سطحی محدود آنهم در روستای ده سلم در هیچ نقطه‌ای از این منطقه وسیع وجود ندارد همه جا خاکها شور و در بعضی نقاط شور قلیائی است ، خاکهای شور بصورت‌های مختلف دیده میشود از آنجمله است :

خاک شور خاکستری، خاک شور کثیرالاضلاعی، خاک شور کویری پف کرده و مرطوب که خود به انواع و اشکال متفاوت مانند کویر «پاشتری» « کویر پا کوسفندی» وجود دارد.

منشأ اصلاح موجود در خاک و چگونگی شور شدن خاکها متفاوت و باختصار بشرح زیر است :

- باد : قسمتی از اصلاح موجود در خاک بوسیله باد به آنجا منتقل شده بدین ترتیب که با تخریب مواد نمک‌دار و وزش‌های بادهای تند، نمک از نقطه‌ای به نقطه دیگر منتقل گردیده است.

- آب : کلیه آبهای موقتی و دائمی دشت لوت شور است ، بخصوص رود شور بیرجند که غلظت نمک آن زیاد است و موجب شور شدن سطح وسیعی از زمینهای دشت لوت شده و میشود. آب قناتها هم غالباً کمی شور است و تا اندازه‌ای موجب شور شدن تدریجی خاکها میگردد.

- سنگ مادر شور : در بعضی از نقاط سنگ‌مادر شور است ، و بر اثر تخریب

این مواد خاک شور بوجود آمده و زمینهای اطراف که تحت تأثیر آن قرار گرفته نیز شور شده است.

- گرمی و خشکی هوا و بالا آمدن آب شور: یکی دیگر از علل عمده شور شدن خاکها، خشکی و گرمی هوا است که موجب بالا آمدن آب زیرزمینی میشود چون آب زیر زمینی شور است املاح زیادی را با خود به افقهای سطحی و در اغلب موارد حتی به سطح زمین میرساند و موجب شوری خاکها میشود. سطح وسیعی از خاکهای مورد بررسی بر اثر بالا آمدن آب شور، شور شده است.

- آتش زدن بقایای گیاهی: کشاورزانی که با بیل زدن زمین را برای کشت بعدی آماده میکنند، برای آنکه زمین سهلتر و بهتر کننده بشود، پس از جمع آوری محصول و استفاده از آن بعنوان مرتع، بقایای موجود را آتش میزنند. با آتش زدن کاه و کلش و غیره مسلماً بر درجه شوری خاکها افزوده میشود.

- دادن کود حیوانی شور به زمین: چون حیوانات خانگی روستاهای اطراف لوت مانند ده سلم از گیاهان شور و قلیائی تغذیه می کنند، در نتیجه در کود آنها مقدار زیادی نمک وجود دارد. و چون کشاورزان کود دیگری در اختیار ندارند، از این نوع کودها به زمین میدهند که موجب بیشتر شور شدن زمینهای زراعی خود میگردد.

حاصلخیزی خاک بر تال جامع علوم انسانی

زمینهای بایر منطقه مورد بررسی و بخصوص خاکهای قسمتهای مرکزی لوت بعلت دارا بودن نمک زیاد و فقر مواد آلی و مواد غذائی حاصلخیز نیست و بهره برداری از آنها در کشاورزی در شرایط کنونی یا ممکن نیست و یا اگر ممکن باشد بسیار مشکل و توأم با هزینه بسیار سنگینی خواهد بود.

زمینهای مورد کشت که فقط در ده سلم و اطراف آن وجود دارد، بععلل مختلف از جمله بهره برداری بیش از حد از زمین و ندادن کود، و آبیاری با آب شور و غیره کم قوه است و در شرایط نامناسب قرار دارد.

۲- آب

از شهداد تا ده سلم که بیش از ۲۶ کیلومتر است ، فقط در یک نقطه آب دیده میشود ، آنهم رودشور بیرجند . آب این رود بعلت دارا بودن املاح زیاد قابل استفاده نیست ، نه در کشاورزی مصرف دارد و نه بدر آشامیدن انسان و یا حیوان میخورد .

هر گاه مناطق آبخیز رود شور بیرجند را مورد بررسی دقیق قرار دهیم می بینیم آب تمامی دره هائیکه بهم می پیوندد و این رود بزرگ و دائمی را بوجود می آورد شور نیست بلکه آب بسیاری از شاخه های آن ، شیرین است منتهی وقتی به آنها شاخه های شور ملحق میگردند و یا از بستر شور میگذرد ، شور میشود . هر چه از شمال یعنی آبخیز رود مزبور بطرف جنوب برویم ، بخوبی احساس میکنیم که آب رود شور ، شورتر میشود ، غلظت نمک در قسمتهای انتهائی بقدری در آب زیاد میشود که حتی گیاهان نمک دوست نیز قادر بروئیدن در کنار رودخانه نیستند . این آب شور در زمانهای گذشته نیز در نقاط مختلف دشت لوت جاری بوده ، در نتیجه سطح وسیعی از دشت مزبور را شور و غیر قابل بهره برداری کرده است . این عمل تخریبی رودشور بیرجند همچنان ادامه دارد .

برای آنکه از شدت عمل کاسته شود و زمینها بر اثر جاری شدن آب شور بالنسبه کمتر شور گردد ، باید حتی الامکان کاری کرد که از ریختن شاخه های آب شور در همان مبدأ ممانعت بعمل آید . برای این منظور باید اقدام به حفر گودالها و ایجاد موانع عظیم بر سر راه آبهای شور کرد .

آب آبیاری که فقط به ده سلم و مزرعه دهو محدود می شود ، کم است . این آبها ضمن آنکه کم است ، از لحاظ کیفی هم مرغوب و رضایتبخش نیست ، زیرا کاملاً شیرین نیست .

امکان دسترسی به آب شیرین و حتی کم نمک ، (از منطقه اطراف شهداد تا نرسیده به ده سلم که بیش از ۲۵ کیلومتر است) تا آنجا که مورد بررسی قرار گرفته

وجود ندارد. در هر نقطه که برای شترها چاهی حفر شده، آب آن کاملاً شور است بطوریکه انسان نه میتواند آنرا بیاشامد و نه آنکه در کشاورزی مورد بهره برداری قرار دهد، از این آبها فقط برای رفع عطش شترها آنهم از روی ناچاری استفاده میشود.

۳- پوشش گیاهی

منطقه مورد بررسی از کم گیاهترین نقاط دشت لوت است. صرفنظر از حاشیه های غربی و شرقی و باستانی تقریباً یک هکتار زمین در داخل لوت در بقیه نقاط بکلی گیاه دیده نمیشود. در تمام طول راه شهداد، ده سلم که بیش از ۲۶ کیلومتر است فقط تا چند کیلومتر بعد از شهداد و از آنطرف هم چند کیلومتر مانده به ده سلم گیاه وجود دارد. اغلب این گیاهان فقط در مسیلهاد دیده میشود. قسمتهای مرکزی بکلی فاقد گیاه است. عجیب است که تقریباً در قلب لوت (بعد از کوچه و نرسیده به کوه سرخ) در حدود یک هکتار زمین گیاهدار دیده میشود. جامعه گیاهی آنرا بوته های رسی تشکیل میدهد. خاک این منطقه لیمونی است که روی آنرا ماسه های بادی پوشانیده است. صرفنظر از این قسمت و از چند کیلومتر بعد از شهداد و چند کیلومتر مانده به ده سلم همه جا زمین بکلی لخت و بی گیاه است. بنابراین فرق نمی کند که نوع و یا تیپ خاک چگونه است هر چه هست خواه، خاکهای شور کثیرالاضلاعی خواه خاکهای قهوه ای کویری، هامادها، زمینهای شنی و غیره همه و همه لخت عاری از پوشش گیاهی است در تمام این منطقه وسیع حتی یک گیاه هم دیده نمیشود.

علل فقر و یا عدم پوشش گیاهی را اینطور میتوان توجیه کرد:

- خشکی شدید هوا و خاک

- زیاد شور بودن خاک، حتی در نقاطی که رطوبت باندازه کافی هست ولی

خاک کاملاً شور است، حتی گیاهان نمکدوست هم نمیتوانند در آنجا برویند (مانند

کناره رود شور)

- وجود املاح و گچ زیاد مانند زمینهای داخل کلوتها و شهر افسانه ای لوت

- وجود مواد سمی در خاک

- مرتفع بودن زمین و بسیار پائین قرار داشتن سطح آب زیرزمینی : در بعضی نقاط سطح قابل توجهی بشکل یک دشت کوچک مرتفع واقع شده است ، در چنین شرایطی آب زیرزمینی فاصله اش تا سطح زمین بالنسبه بیشتر از زمینهای مجاوری است که پست تر واقع شده . بنا براین اسکان رویش گیاه واستفاده از آب زیرزمین در نقاط مرتفع بسیار کمتر است .

- استفاده بی رویه انسان (بطور مستقیم و غیر مستقیم) از پوشش گیاهی که موجب تنگ شدن و نابودی آنها شده است .

بالعکس اطراف ده سلم و قسمت های کوهپایه ای حواشی آن از پر گیاه ترین نقاط دشت لوت و حواشی آنست ، زمینهای پوشیده از بوته های اشلان (در نقاطی که زمین مرطوب و خاک آن قلیائی است) و زمینهای پوشیده از رمسی (در کوهپایه ها و نقاط مرتفع باخاکهای شنی) و خلاصه تپه های ماسه ای پوشیده از تاغ از نقاط پر گیاه و جالب حواشی شرقی لوت بشمار میرود .

نباید تصور کرد نقاطی که پوشش گیاهی دارد ، دست نخورده مانده و سطح پوشش زنده زمین روز بروز گسترش می یابد ، بلکه بالعکس سطح وسیعی از نقاط گیاه دار آنچنان مورد استفاده بی رویه انسان و حیوان قرار گرفته که گیاهان آن در حال نابودی است و در بعضی نقاط حتی دیگر اثری از گیاه دیده نمیشود .

برای جلوگیری از تخریب بیشتر و حفظ گیاهان باقیمانده و همچنین تقویت پوشش گیاهی نقاط مساعد ، در شرایط متفاوت ، عملیات متفاوت باید انجام داد از آن جمله :
در نقاطی مانند قسمت های داخلی لوت (فی المثل اطراف گوجارو ...) که نه دسترسی به آب هست و نه شرایط آب و هوایی مساعد است و نه خاک آن مرغوب است ، هر افداسی بمنظور ایجاد پوشش گیاهی در این سرزمین لخت و بدون گیاه و طاقت فرسا با عدم موفقیت مواجه خواهد شد .

در نقاطی مانند تپه های ماسه ای که دارای پوشش گیاهی تاغ است و مناطق اشلنی و رمسی باید چرای احشام کنترل شود . برای این منظور باید از تعداد

احشام بویژه شترها به میزانی کامسته شود که دیگر نتوانند باعث نابودی پوشش گیاهی بشوند.

با فروش این احشام، صاحبان آنها امکان مالی بیشتری برای توسعه فعالیت‌های کشاورزی، صنعتی و هنری (قالی بافی و امثال آن) که زیانی به منابع طبیعی منطقه وارد نمی‌آورد خواهند داشت.

در نقاطی که شرایط آب و هوایی و خاک تا اندازه‌ای مساعد است و امکان بدست آوردن آب جهت آبیاری وجود دارد (که تقریباً به نقاط پایکوه و حواشی مرتفع لوت محدود میشود) میتوان با غرس اشجار و بوته‌های مقاوم بخشکی، سطح پوشش گیاهی را افزایش داد.

۴- وضع کشاورزی

در شرایط کنونی، از حومه شهداد که بگذریم تا ده سلم هیچ اثری از کشاورزی نمی‌بینیم، یعنی در مسافتی بیش از ۲۶ کیلومتر که قبلاً هم ذکر شد نه آب قابل آبیاری است و نه قابل آبادانی. کشاورزی و فعالیت‌های اقتصادی در منطقه شهداد (بر سر راه شهداد - معدن نمک و بر سر راه شهداد - رودشور) به یکی دو تا آبادی بسیار کوچک و در منطقه ده سلم فقط به خود ده سلم و یک مزرعه بسیار کوچک آنهم در دهانه لریها (مزرعه دهو) محدود می‌شود. بنابراین فعالیت‌های کشاورزی و بطور کلی فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی به ابتدا و انتهای منطقه مورد بررسی (حاشیه غربی و حاشیه شرقی لوت) محدود میشود. در داخل لوت بعلت آنکه قابل سکونت نیست و کسی در آنجا زندگی نمی‌کند، زراعت هم نمیشود.

الف - بررسی عوامل موثر

اوضاع کشاورزی منطقه مورد بحث بعلم مختلف از جمله نامساعد بودن شرایط آب و هوایی، کم و نامرغوب بودن آب و خاک خوب نیست. زمینها یا بایر و غیر قابل بهره‌برداری است و یا کم قوه و شور، بطوریکه میزان عملکرد گندم از تخمی. ۱ تخم تجاوز نمی‌کند. محدود بودن زمینهای قابل کشت و نبودن آب کافی جهت آبیاری مانع توسعه و گسترش فعالیت‌های کشاورزی میشود. چون ساکنین این

نواحی سرمایه کافی در اختیار ندارند امکان افزایش سطح زمینهای زراعی و بدست آوردن آب بیشتر برای آنها نیز فراهم نیست. با آنکه بعضی از آنها با فروش شترهای خود که در دشتهای ول هستند می توانند سرمایه قابل توجهی برای گسترش فعالیتهای زراعتی خود بدست آورند، ولی چون شتر داری در این مناطق از هر لحاظ مقرون بصرفه است و نسبت به فعالیتهای دیگر کم خرج تر و کم زحمت تر است، مردم حاضر نیستند شترها را بفروشند و با تقویت بنیه مالی خود، کشاورزی خوب و قابل توجهی داشته باشند.

زمینهای مورد کشت با آنکه اصلاح شده، معهذاً شور است و مقدار املاح محلول آن بقدری است که برای زراعت گندم مساعد نیست. این زمینها بیشتر برای ایجاد باغهای خرما مناسب است که اینک بهترین محصول را هم همین گیاهان میدهند. اما از آنجا که در دهات مورد بررسی آب کافی در اختیار نیست، درختان خرما هم از آب سیر نمیشوند در نتیجه حداکثر محصول، از آنها بدست نمی آید، البته علت کمی محصول در مورد درختان خرما تنها مسئله آب نیست بلکه نا مرغوبی خاک و بی توجه بودن کشاورزان به باغهای خرما خود که ناشی از مسائل اقتصادی و اجتماعی آنان است نیز از علل عمده پائین بودن سطح محصول خرما بشمار میرود.

با آنکه زمینهای مورد استفاده در کشاورزی، بالنسبه برای پرورش درختان خرما مناسب و مساعدتر است ولی چون سطح زمینهای قابل بهره برداری کم است، کشاورزان برای احداث باغ خرما بناچار از زمینهای ملایم مانند زمینهای شنی و یا شن لیمونی که برای درخت خرما مناسب نیست نیز استفاده می کنند.

وضع مالکیت نیز در پائین بودن سطح محصول خرما موثر است بدین معنی که اغلب دیده میشود یک باغ بسیار کوچک متعلق به چند نفر است و از طرف

۱- چون در دهات حاشیه دشت لوت، بخصوص ده سلم، رسم است که در موقع

عروسی پدر عروس نسبت به وسع مالی خود یک یا چند درخت خرما بعنوان جهیزیه میدهد، در نتیجه هر چند اصله درخت یک باغ متعلق به یک نفر است و این درختها کاملاً شخصی هستند.

دیگر صاحبان و یا مالکین آن باغ هم بعضی ها در محل و بعضی دیگر در دهات مجاور و خلاصه بعضی ها هم در شهرهای حاشیه کویر و یا نقاط دورتر سکونت دارند. اینطور مالکیتها با پراکنده بودن محل سکونت و فعالیت مالکین سبب شده است که به باغ مربوط توجهی نشود و در نتیجه یا درختها خشک شده اند و یا قوه باردهی آنها کاهش یافته است.

وضع درخت خرما که یک گیاه مقاوم به خشکی و شوری و خلاصه گیاه مخصوص مناطق خشک می باشد، اینطور است که شرح آن گذشت وضع محصولات دیگر مانند گندم که هم بالنسبه به آب زیادتری احتیاج دارد و هم اینکه به شوری مقاوم نیست از اینهم بدتر است.

البته در حواشی کویر و همچنین نقاط مورد بررسی ما (در این نوشته) علاوه بر خرما و گندم محصولات دیگری از قبیل یونجه، جو، پنبه، شاهدانه، کنجد، ذرت علوفه ای هم کشت میشود ولی اینها هم بعلل مذکور و همچنین استفاده نکردن کشاورزان از کود شیمیائی و نداشتن وسائل لازم و مفید برای کاشت، داشت و برداشت بار خوبی نمیدهند و سطح تولید آنها بهیچوجه بالا و رضایتبخش نیست هم سطح کشت این محصولات بسیار محدود است، که اغلب از چند کرت برای هر محصول تجاوز نمی کند و هم سطح تولید آنها در واحد سطح بسیار پائین است و هم از لحاظ کیفی در مقام مقایسه با محصولات مناطق مرطوب تر و خوش آب و هوا تر، در مقام پائین تری قرار دارد.

بعلت کوچک بودن مزارع و کم بودن سطح کشت، از وسائل مدرن کشاورزی استفاده نمیشود اغلب حتی در امور مربوط به شخم زمین و آماده کردن آن برای زراعت گاو هم مورد استفاده قرار نمیگیرد. این عملیات را زارعین اغلب بانیروی بازوی خود انجام میدهند.

ماسه های روان مشکل عظیمی برای گسترش فعالیتهاى کشاورزی بشمار میرود

این ماسه‌ها که توسط باد بر سطح دهات فرود می‌آید از جهات مختلف اثر نامطلوب دارد، از آنجمله:

- نامرغوب شدن زمینها بر اثر افزایش نسبت ماسه به قسمت‌های دیگر خاک (رس، لای و غیره)

- بیشتر شور شدن زمینها در نتیجه انتقال املاح همراه با ماسه توسط باد
- بالا آمدن سطح زمینهای زراعتی بر اثر انباشته شدن ماسه‌ها که موجب سوار نشدن آب آبیاری به زمینهای مربوط میشود (همانطور که قبلاً ذکر شد، کشاورزان ده سلم مجبور هستند هر ساله ماسه‌های اضافی سطح زمین را جمع کنند تا آب بتواند به زمین سوار شود)

- پر شدن قنات‌ها و نهرهای زراعتی از ماسه که موجب کم شدن راندمان آب قنات‌ها و کاهش جریان آب در نهرها میشود

- خشک شدن بعضی از گیاهان زراعتی بر اثر انباشته شدن ماسه و نامرغوب شدن محصولات کشاورزی.

بنابر آنچه گذشت چنین نتیجه گرفته میشود که کشاورزی در این منطقه وسیع مورد بررسی، فقط به دو نقطه بسیار کوچک، اطراف شهداد و دمسلم آنها در سطحی بسیار ناچیز و با تولیدی بسیار کم محدود است.

ب- بررسی امکان گسترش سطح کشت و افزایش تولیدات کشاورزی در

واحد سطح

با توجه به شرایط منطقه و امکانات موجود، در داخل لوت ایجاد مزارع و یا اشتغال با مزارع کشاورزی غیر ممکن مینماید، زیرا نه خاک مناسب وجود دارد و نه آب قابل آبیاری و نه شرایط برای زندگی و رفت و آمد مساعد است (مگر آنکه آب تصفیه و نمک آن گرفته شود تا بدین طریق بتوان خاک را اصلاح کرد).

گسترش سطح کشت در نقاطی که فعلاً زراعت میشود نیز بسیار محدود است زیرا زمینهای دایر تقریباً بطور کامل کشت میشود و امکان در آوردن آب شیرین و

قابل آبیاری از زمین بمنظور اصلاح زمینهای بایر بسیار کم است و در صورتیکه امکان داشته باشد خرج زیادی در بر دارد. با آبی که فعلاً از قناتها خارج میشود حداکثر بتوان همان زمینهای دایرکنونی را آبیاری کرد. چون امیدی به انواع دیگر آبها (آب باران، آب رودخانه و...) نیست باید ابتدا فقط اقدام به لای روبی مرتب قناتهای فعلی و حتی الامکان افزایش تعداد چاههای آنها کرد، تا از این طریق آب بیشتری بدست آید. در نقاطی که امکان احداث قنات دیگری که آب شیرین دهد باشد، میتوان رشته قنات دیگری بوجود آورد. اما از آنجا که زمینهای بایر اطراف مناطق مسورد کشت نامرغوب است امکان اصلاح و بهره برداری از آنها بسیار محدود است.

پس، بیشتر باید بفکر افزایش تولید در واحد سطح بود. برای این منظور باید ضمن بدست آوردن آب بیشتر که شرح آن گذشت اقدامات دیگری از جمله اقدامات زیر نیز صورت گیرد:

- استفاده کافی از کودشیمیائی مناسب (کودهایی که تقریباً تمام آنها توسط گیاه جذب میشود مانند نیترات آمونیوم، کودهایی که بقایای آنها برای زمین مضر نباشند و خلاصه کودهایی که از لحاظ فیزیولوژیکی دارای خاصیت اسیدی باشد.

- انتخاب و توسعه محصولات که نسبت به شوری و خشکی مقاومت بیشتری دارند، مانند پونجه، درخت خرما، پنبه و غیره

- انتخاب روش صحیح کشت و آبیاری (که بهترین روش همان روش کرتی است) بیشتر بمنظور کنترل درجه شوری خاک (البته هر چند سال یکبار وارد کردن روش ردیفی یا نشتی نیز مفید و لازم است)

- کشت و جمع آوری بموقع

- خودداری از سوزانیدن بقایای گیاهی بمنظور افزایش ماده آلی در خاک. در ضمن باید با شخم زدن زمین پس از جمع آوری محصول، کلیه بقایای گیاهی را

در زیر خاک کرد تا بپوسد و همچنین با اضافه کردن کودهای حیوانی مرغوب و دیگر مواد آلی خواص فیزیکی و شیمیائی خاک بهبود یابد که نتیجه آن حاصلخیزتر شدن خاک است.

برای جلوگیری از خسارات ناشی از باد و ماسه‌های روان نیز باید اقداماتی از قبیل احداث باد شکن پرده‌های محافظ در اطراف آبادی و بویژه غرس اشجار در اطراف مزارع صورت گیرد تا محصولات، قناتها و نه‌های زراعتی از خطر ماسه محفوظ بماند.

وضع دامداری

صرفنظر از شتر وضع سایر دامها در حواشی لسوت از آنجمله در منطقه شهداد و ده سلم نیز خوب نیست. هرچند بز حیوانی است که استقامت زیادی در راه رفتن دارد و از گیاهان کویری بخوبی تغذیه می‌کند ولی بعلت آنکه آب کافی و بموقع برای آشامیدن این حیوانات در دسترس قرار نمی‌گیرد و از طرف دیگر این حیوانات با علوفه و گیاهان مغذی تغذیه نمیشوند، رشد کافی ندارند و محصولات آنها هم رضایتبخش نیست.

گوسفند (میش) در وضع بدتری قرار دارد زیرا مقاومتش در مقابل ناملايمات، از بز کمتر است و چون مراتع اطراف مناطق مذکور مراتع گوسفندی نیست و شرایط آب و هوایی هم بسیار نامساعد و تغذیه حیوانات مذکور هم بسیار نامناسب است، بسیار لاغر و بی‌ریخت هستند بطوریکه میتوان گفت که از دنبه آنها فقط شکلهش باقی مانده و در بدن آنها چربی و گوشت کمتر ذخیره شده است. گوسفندها بیشتر استخوانی هستند و نسبت گوشت با استخوان بدن آنها در وضع نامساعدی قرار دارد. بز و گوسفند دنبه‌دار نه تنها از لحاظ کیفی بلکه از لحاظ کمی (تعداد) نیز وضع خوبی ندارند بعبارت دیگر گوسفند زیادی در مناطق مورد بررسی وجود ندارد و همین تعداد کم هم در وضع بدی بسر میبرند.

شترها هم زیاد هستند و هم در شرایطی خوب نگاهداری میشوند ، البته کلمه «نگاهداری» در مورد شترها کاملاً صدق نمی کند برای اینکه آنها شب و روز در بیابانها ول هستند و احتیاجی هم به نگاهداری و سرپرستی ندارند . این حیوانات در بیابانها سیچرند و هر وقت هم که تشنه بشوند بطور خانوادگی و یا انفرادی برای خوردن آب به ده سلم و یا به چاههایی که برای آنها حفر شده (چاههای شتری) میروند . چون مراتع اطراف ده سلم از مراتع خوب شتری است ، شرایط برای تغذیه این حیوانات مناسب و برای افزایش تعداد آنها نیز بسیار مساعد است . از این رو متأسفانه روز بروز تعداد آنها اضافه میشود . تأسف ما از آنجست است که از این حیوان آنطور که باید و ممکن است ، استفاده نمیشود و دولتی در عوض حداکثر زیان و ضرر ممکن را به پوشش نباتی وارد آورده اند و موجب ویرانی و پیشروی کویر در منطقه مربوط شده و میشوند . چون بطریقی که ذکر شد نگاهداری شتر برای مردم آن سامان خرجی ندارد ، لذا سعی می کنند تا آنجا که ممکن است بر تعداد آنها بیافزایند ، در صورتیکه هدف مردم و دولت در شرایط فعلی باید این باشد که حتی المقدور از تعداد شترها کاسته شود تا منابع طبیعی بویژه گیاهان حاشیه دشت لوت که تنها حافظ خاک آنجا و بزرگترین و مهمترین مانع برای جلوگیری از پیشروی کویر است حفظ گردد .